

تحلیل جامعه‌شناختی شاخص‌های توسعه اقتصادی – اجتماعی در دوره پساتحریم

فاطمه رفیعی^۱، طهمورث شیرینی^۲

چکیده

استدلال مقاله این است که امر توسعه به صورت تک بعدی و تک سویه نیست و همچنین توزیع متوازن و برابر منابع و امکانات برآمده و محصول توسعه، رابطه مستقیم و معنی‌داری با توسعه یافتگی اجتماعی و اقتصادی دارد که به همین منظور با محوریت این گزاره، سعی شده تحلیلی از وضعیت شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه متأثر از عنصر بیرونی و بین‌المللی پساتحریم ارائه شود. روش تحقیق کتابخانه‌ای و پیمایش و به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از تکنیک و ابزار فیش‌برداری نظری و تحلیل مضمون و پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است و جامعه آماری پژوهش کلیه اعضای هیات علمی و کارشناسان و دست‌اندرکاران اقتصادی و اجتماعی دانشگاه تهران بوده که با استفاده از فرمول کوکران حجم جامعه آماری پژوهش ۹۸ نمونه در نظر گرفته شد و با نمونه‌گیری خوشه‌ای داده‌ها و اطلاعات لازم از این نمونه‌ها گردآوری شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که وضعیت ابعاد و مولفه‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه (وضعیت فقر، وضعیت آموزش، وضعیت تورم، امنیت، اشتغال، واردات، صادرات، مصرف و وضعیت سرمایه‌گذاری) در دوران قبل و پس از تحریم به طور معنی‌داری متفاوت‌اند، به صورتی که نتیجه نهایی تحقیق حاکی از آن است که نه تنها توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران پس از تحریم روند نزولی و کاهشی نداشته، بلکه در بسیاری از ابعاد و مولفه‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه از جمله امنیت، آموزش، صادرات، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، رشد و ارتقا نیز وجود داشته است و از سوی دیگر وضعیت فقر و تورم نیز کاهش یافته است.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه اجتماعی و اقتصادی، تحریم، پساتحریم.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۸

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: shiri.tahmures@gmail.com)

مقدمه

هر جامعه‌ای دارای تاریخچه مربوط به خود است و تقریباً هیچ جامعه‌ای نیست که از تغییر در امان مانده باشد. در حالی که بعضی از تغییرات از درون و در چارچوب فرهنگ خودی است. بعضی دیگر محصول ابتکارات بیرونی و خارجی است و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از عوامل و عناصر بیرونی الهام و نشأت گرفته شده است. با توجه به اینکه سال‌های اخیر از نظر اقتصادی برای کشور پر فراز و نشیب در عرصه‌های داخلی و جهانی بوده است، امر توسعه در سطوح و ابعاد مختلف و به ویژه در بعد اجتماعی و اقتصادی، موضوع محوری و پراهمیتی برای کشور بوده است. بعد اجتماعی و اقتصادی توسعه امری است که تغییرات و دگرگونی در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی به وجود می‌آورد و در موارد زیادی نیز به مسأله اجتماعی منجر می‌شود. مسأله اجتماعی به مثابه زخمی بر پیکر جامعه یا پارگی در سازمان و ساختار اجتماعی به حساب می‌آید که کارکرد نامناسب در جامعه را هشدار می‌دهد و آن خود نیاز به بهبود و درمان دارد. از طرفی دو دهه تجربه کشورهای جهان سوم نشان داد که رشد اقتصادی زیربنای رشد سایر ابعاد جامعه نیست، و باید برای نشان دادن وضعیت جوامع از مفهوم جامع‌تر توسعه استفاده کرد. مفهوم توسعه علاوه بر وضعیت اقتصادی جوامع، میزان نابرابری، وضعیت نیروی انسانی، وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه را هم مدنظر قرار می‌دهد. به طوری که وقتی کشوری توسعه یافته تلقی می‌شود که همه ابعاد گوناگون جامعه باهماهنگی لازم باهم ارتقا پیدا کنند، و درعین حال هم عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در جامعه تحقق یابد. مفهوم توسعه از قوه به فعل رسیدن هماهنگ توانایی‌های گوناگون جامعه را نشان می‌دهد، و متکی بر رهیافتی نظام‌وار از جامعه است. بنابراین بهترین وضعیت برای یک جامعه آن است که ابعاد گوناگون نظام اجتماعی هماهنگ باهم رشد یابند، که به آن توسعه همه جانبه اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر نمی‌توان به راحتی از توسعه یک بعد جامعه بدون در نظر گرفتن ابعاد دیگر آن صحبت کرد (هانتینگتون، ۲۰۱۳: ۸۸).

از این منظر ضمن اذعان به اهمیت توسعه و رابطه قوی آن با قدرت و نابرابری، می‌توان به اهمیت و مسئله‌ساز بودن این موضوع پی برد، که این اهمیت و مسأله بودگی به زعم برخی مرتبط با مسائل داخلی و از نظر برخی دیگر در سطح معادلات بین‌المللی قابل بررسی و تبیین است، که از منظر دوم چگونگی اعمال قدرت در روابط بین‌المللی به طور عام و تحریم به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت به طور خاص و نقشی که این معادلات در کشورها و بخصوص در کشور ما داشته، تا سدی بر راه توسعه باشد.

در این راستا می‌توان بیان نمود که با رسیدن توافق ایران و جامعه جهانی بر سر موضوع هسته‌ای، وضعیت کشور ایران پس از تحریم‌ها به عنوان یک موضوع مهم در مجامع، یک چالش جدی خواهد بود. در شرایط کنونی، نظام تصمیم‌گیری اقتصادی و اجتماعی کشور به منظور تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌های پساتحریم بر اساس یک رویکرد یکپارچه نیازمند بازنگری است.

گذشته از موضوع تحریم و امر توافق، توسعه ایران همواره با چالش‌ها و بحران‌های ویژه‌ای نیز روبه‌رو بوده که اهم آن پس از خرابی‌های ناشی از جنگ ایران و عراق، تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه اقتصادی است. بحران‌های منطقه و رویکرد تنش‌زای دولت نهم و دهم نیز که منجر به تخریب روابط خارجی ایران و تشدید تحریم‌ها شده همواره، با وجود ظرفیت‌های بسیار بالای منابع توسعه در ایران، در روند توسعه کشور کندی، اختلال و حتی عقبگرد ایجاد کرده است. اعمال تحریم‌های اقتصادی منجر به محدود کردن صادرات، واردات و از همه مهم‌تر ایجاد اختلال در جریان‌های آزاد مالی و تامین مالی تجارت، اعتبارات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و کمک‌های دوجانبه شده به نحوی که حتی زمینه‌هایی که مستقیماً مشمول تحریم نیست، نظیر دارو و اقلام پزشکی یا خدمات آموزشی، رفاهی را نیز به شدت متاثر ساخته است. در بخش‌های زیربنایی نیز، با فرار سرمایه‌های خارجی از کشور و توقف بسیاری از پروژه‌های عمرانی روبه‌رو بوده‌ایم. این در حالی است که حق توسعه، نسل سوم حقوق بشر در کنار دو نسل حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود. قطب‌بندی جامعه جهانی به کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و تمرکز تکنولوژی در دست کشورهای توسعه یافته، اهمیت انتقال تکنولوژی را به عنوان میراث جهانی بشریت و مهم‌ترین

عامل توسعه جهت پیشبرد توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه و بهره‌مندی از نسل سوم حقوق بشر و تحقق اهداف توسعه هزاره پدیدار می‌سازد. آنچه از روند توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران برمی‌آید، بهبود محسوس بسیاری از شاخص‌های توسعه کشور در چند سال گذشته است؛ اما نکته مهم این است که از یک سو، سیر صعودی شاخص‌ها در قیاس با برخی کشورهای هم‌ردیف، کمتر است و از سوی دیگر، به سبب توزیع نامناسب امکانات و منابع توسعه در بدنه جامعه، شکافت میان فقیرترین و غنی‌ترین استان‌ها به گونه نسبی همچنان ادامه دارد، به گونه‌ای که نامتوازن بودن شاخص‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی، محرومیت چند لایه افراد را در جامعه به نمایش می‌گذارد و تا اندازه زیادی موجبات اختلاف میان بالاترین و پایین‌ترین دهک جامعه را فراهم می‌سازد (وبستر، ۲۰۱۳: ۸۵؛ فقی و قابل رحمت، ۱۳۹۵). از سویی، آمار بسیاری از جرایم در کشور نسبت به سال‌های پیش افزایش چشمگیر داشت است و به نظر می‌رسد که این افزایش رابطه‌ای تنگاتنگ با توزیع نابرابر منابع در سطح کشور داشته باشد. بنابراین، شاید بتوان گفت که روند بهبود برخی شاخص‌ها در جامعه ما به معنای ورود به عرصه توسعه یافتگی نیست، بلکه چون اجزا و عناصر به مثابه یک نظام اجتماعی باهم ارتباط دارند، تأثیر توسعه یافتگی باید در همه ارکان و عناصر آن نظام دیده شود، نه اینکه بخشی از آن‌ها بیرون از منطقه همگن و بخشی در بالاترین حد توسعه اجتماعی و اقتصادی باشد.

بر این اساس استدلال این مقاله این است که امر توسعه به صورت تک بعدی و تک سویه نیست و همچنین توزیع متوازن و برابر منابع و امکانات برآمده و محصول توسعه، رابطه مستقیم و معنی‌داری با توسعه یافتگی اجتماعی و اقتصادی دارد که به همین منظور با محوریت این گزاره، سعی در تحلیل وضعیت شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه متأثر از عنصر بیرونی و بین‌المللی پساتحریم را داریم.

پیشینه تحقیق

زیبایی (۱۳۹۴)، در مطالعه خود با عنوان ارزیابی سهم عوامل تعیین‌کننده نابرابری و توزیع درآمد در ایران ضمن بررسی برخی از نظریه‌های مربوط به توزیع درآمد، با طراحی یک الگوی اقتصادسنجی رفتار شاخص‌های نابرابری (ضریب جینی، نسبت دهک پایینی به دهک بالایی، نسبت بیست درصد پایینی به بیست درصد بالایی) مشخص کرد. همچنین نتایج مدل حاکی از آن است که افزایش بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه باعث بهبود رفاه اجتماعی می‌گردد، در حالی که تورم و بیکاری اثر منفی بر رفاه اجتماعی دارد. میرزامحمدی (۱۳۹۴)، یکی از عواملی که در جهت دستیابی به هدف رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی می‌تواند نقش اساسی ایفا کند، توسعه بخش مالی است. بخش مالی از بازارهای گوناگونی شامل بازار پول و سرمایه تشکیل شده است. اهمیت توسعه بخش مالی از آنجا نشأت می‌گیرد که بخش مالی کارآمد، نقشی اساسی در تجهیز منابع مالی برای سرمایه‌گذاری، تشویق ورود و تجهیز سرمایه خارجی و بهینه‌سازی ساز و کار تخصیص منابع ایفا می‌کند. باقری (۱۳۹۳)، توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی پروسه توسعه و بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقاء کیفیت انسانها می‌باشد. پناهی (۱۳۹۳)، به بررسی توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پرداخته است: ربع پایانی قرن بیستم با پدیده چرخش فرهنگی، به همراه پدیده پسامدرنیته و پسا ساختارگرایی، هم در بعد واقعیت اجتماعی و هم در بعد تحلیل اجتماعی، مصادف بوده است. این چرخش نه تنها نشان‌دهنده اهمیت یافتن بیش از پیش نقش فرهنگ در زندگی انسان‌ها و در علوم انسانی و اجتماعی است، بلکه نشان‌دهنده فهم درست‌تر و عمیق‌تر از نقش و قدرت فرهنگ در انواع اساحت‌های زندگی بشری و تحلیل اجتماعی است، که مدت‌ها تحت الشعاع عامل اقتصادی قرار گرفته بود. میرفردی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی همگرایی نگرش‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی در رویکرد نهادگرایی به توسعه پرداخته اند: می‌توان گفت که نهادگرایان، توسعه را با نگاهی روشمند و متکی به ابزارهای تحلیلی اقتصادی و به طور همزمان لحاظ‌کننده تمامی عوامل فراتر از رشته اقتصاد می‌نگرند. یکی از جمع‌بندی‌های مهم نهادگرایان این است که آموزه‌های اقتصاد بازار آزاد در بهترین حالت، حتی اگر همه کاستی‌های روش‌شناختی آن نادیده گرفته شود فقط می‌تواند موارد موفق توسعه را تبیین کند.

ارشدی (۱۳۹۲)، به بررسی مطالعه تطبیقی میان برخی از الگوهای توسعه متعارف در خصوص دو مفهوم شاخص های یک تعامل مناسب (کارآمدی، هماهنگی و تداوم) و بردارهای تعاملاتی پرداخته است: اگر طراح و سیاستگذار یک الگوی توسعه، همچون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اقدام به انتخاب یک استراتژی مشخص نماید، باید قادر باشد، یک ارزیابی مشخصی از روند طی شده در بستر الگوی منتخب داشته باشد. نگرش تطبیقی می تواند، الگوی مناسبی برای طراحان و سیاستگذاران الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد، تا بتوانند نسبت به مهندسی نهادها در ترسیم الگو به مفاهیم فوق و نقش آنها توجه نمایند. امیری و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی تحلیل توسعه یافتگی ایران با استفاده از شاخص HDI پرداخته است: نتایج حاصل نشان از معنی دار بودن متغیر تولید ناخالص داخلی از نظر آماری، و تاثیر مثبت و معنی دار آن بر توسعه یافتگی ایران می باشد و با توجه به تاثیر مثبت آن برای توسعه یافتگی ایران دولت می تواند با ایجاد فرهنگ کار در کشور و بها دادن به تولید ملی داخل کشور، زمینه را برای صنعتی شدن و توسعه بخش صنعت در کشور فراهم آورد که خود اقدامی برای توسعه یافتگی کشور به شمار می رود. افزایش میانگین سالهای تحصیل تاثیر مثبت و معنی داری بر میزان توسعه یافتگی ایران داشته است که با توجه به میزان تاثیر گذاری در بین متغیرهای مورد بررسی در این الگو تولید ناخالص داخلی و کسب آموزش بالاترین میزان تاثیر گذاری را دارا می باشند. جلالی (۱۳۹۱)، هر جامعه ای که در جهت توسعه اجتماعی تلاش میکند باید به گونه ای برنامه ریزی کند تا شاخص های کمی و کیفی توسعه اجتماعی را تقویت و شاخص های منفی را تضعیف نماید گاهی افزایش شاخص های مثبت و کاهش شاخص های منفی با هم در تعارض قرار می گیرد که در این صورت باید با توجه با شرایط زمان و مکان اولویت مهمتر را انتخاب نمود. کمالی اردکانی (۱۳۸۷)، به بررسی روند تکوین الگوی توسعه یافتگی بومی در ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته اند: تدوین الگوی بومی برای توسعه ایران، منوط به روشن شدن موضع ما نسبت به مبنای نظری «گفتمان توسعه» است که ریشه در روند مدرنیته یا تجدد دارد. خوشبختانه پیروزی انقلاب اسلامی اسلامی در ایران، علاوه بر فراهم کردن زمینه خودباوری در میان محققان و پژوهشگران ایرانی، این امکان را فراهم آورده تا برای اولین بار مفاهیم مدرن، از جمله توسعه، بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی مورد بررسی قرار بگیرند. اسپرنیر^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهش ای این طور مطرح می کند که تأمین مالی خرد ابزار قوی برای کمک به افراد خیلی فقیرتر شمرده نمی شود؛ به ویژه آن که این ابزار به جای پس انداز و سرمایه گذاری بر اعطای وام تأکید داشته باشد. این موضوع زمانی اهمیت می یابد که کشورهای جهان سوم در حالت تحریم نبوده تا بتوان دارای رشد اقتصادی موثرتری بود. لاوریر^۲ (۲۰۱۴)، در پژوهش «زنان و اعتبارات خرد در ویتنام» نشان می دهد که برنامه های اعتبارات خرد باید با هدف گذاری استقلال مالی بیشتر برای وام گیرندگان فقیر همراه باشد، نه این که وابستگی به اعتبارات را بیشتر کند که این شرایط ممکن است به ویژه برای افراد فاقد سرمایه خطرناک باشد. وی همچنین بیان نمود که کاهش نرخ رشد جمعیت و بار تکفل سبب می شود که درآمد حاصل از رشد بین جمعیت کمتری توزیع گردد. در نتیجه، جمعیت کمتر از رفاه بیشتر برخوردار خواهد شد. همچنین پایین بودن نرخ رشد جمعیت فرصت کافی در اختیار برنامه ریزان قرار خواهد داد تا امکانات رفاهی را برای تمام جمعیت فراهم نمایند. کلارک و همکارانش^۳ (۲۰۱۴)، یکی از عواملی که در جهت دستیابی به هدف رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی می تواند نقش اساسی ایفا کند، توسعه بخش مالی است. بخش مالی از بازارهای گوناگونی شامل بازار پول و سرمایه تشکیل شده است. اهمیت توسعه بخش مالی از آنجا نشات می گیرد که بخش مالی کارآمد، نقشی اساسی در تجهیز منابع مالی برای سرمایه گذاری، تشویق ورود و تجهیز سرمایه خارجی و بهینه سازی ساز و کار تخصیص منابع ایفا می کند. استرلی^۴ (۲۰۰۶)، در پژوهشی تحت عنوان نابرابری علت توسعه نیافتگی تایید می کند که مواهب و منابع کشاورزی، به طور خاص فراوانی زمین مناسب برای رشد گندم و نسبت به آن مناسب برای رشد نیشکر، به عنوان یک ابزار در ایجاد نابرابری موثر می باشد

¹ Schreiner, Mark

² Lavoie, Mylene

³ Clarke .et al

⁴ Sterly

نتایج - در آفریقا، طی سال‌های (۱۹۹۰-۲۰۰۰) نشان می‌دهد تغییر در متغیر وابسته (درآمد)، در پاسخ به یک واحد تغییر در جینی به گونه‌ای است که یک واحد استاندارد افزایش در ضریب جینی ۳ درصد درآمد را کاهش می‌دهد و این یعنی افزایش نابرابری باعث کاهش درآمد می‌شود و نابرابری مانعی برای توسعه می‌باشد. ایالا (۲۰۰۵)، در پژوهش‌های تحت عنوان توسعه نیافتگی اقتصادی و توسعه پایدار در جهان بیان می‌کند که توسعه نیافتگی یکی از مهم‌ترین مشکلات دوران ما است و امروزه ۲۴۰ میلیون نفر از قحطی رنج می‌برند و یک دهم از جمعیت جهان با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. مروان و ایان کینگ^۱ (۲۰۰۸)، در پژوهش‌های تحت عنوان شاخص‌های توسعه انسانی به بررسی شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) و توسعه مرتبط با معیار طراحی بهینه، پرداختند و با استفاده از مدل زیر به این نتیجه رسیدند که شاخص توسعه انسانی (HDI) و توسعه مرتبط با جنسیت شاخصی برای نشان دادن میزان توسعه یافتگی کشورها به شمار می‌رود و امری پذیرفته شده در کشورهای مختلف است. اسنیک و لنتا^۲ (۲۰۰۴)، پیشرفت و توسعه اجتماعی و شادی و سعادت در میان ملت‌ها پرداخته‌اند: عبارت توسعه اجتماعی برای تمرکز کمتر بر روی توسعه اقتصادی بیان می‌شود. مقایسه‌ها میان ملت‌ها در سال ۲۰۱۰ و تحلیل تغییر بین ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ حاکی از اثرات مخلوط است. فعالیت مدنی و تساوی جنسیت به نظر تاندازه‌ای به سعادت می‌افزایند، احتمالاً بیشتر از رشد اقتصادی. اما مشارکت بیشتر در انجمن‌ها و تضاد کمتر میان افراد شادی کمتر را باعث شده است. درگیری‌های میان گروهی ظاهراً ربطی به شادی میانگین ندارد. از این رو همه آنچه توسعه اجتماعی نامیده می‌شود شادی و سعادت را نمی‌افزاید. برخی اثر مثبت دارند و برخی منفی و برخی اثری هم ندارند.

ملاحظات نظری

یکی از موضوعات اساسی و کلیدی که در چند دهه اخیر در حوزه علوم اجتماعی مطرح و از گستردگی و اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده بحث توسعه است، و به لحاظ همین گستردگی و اهمیت پر دامنه این موضوع مفهوم توسعه توجه صاحب نظران و اندیشمندان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی چون، جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، مردم‌شناسی، علوم تربیتی، روانشناسی را به خود جلب نموده و با گذشت زمان و گسترش و تخصصی شدن حوزه‌های مختلف علوم و پیچیده تر شدن کاوش‌های علمی، مبحث توسعه از تقلیل و وابستگی به یک سهم خاص کاملاً رها شده و تبدیل به یک دانش میان رشته‌ای شده است. همان‌طور که مطرح شد، مبحث توسعه دارای گستردگی زیادی در میان شاخه‌های علوم اجتماعی شده است و این گستردگی نه تنها در میان اندیشمندان علوم اجتماعی بلکه در موارد بسیاری موجب چالش‌های فکری و دغدغه‌های اساسی در حوزه مطالعات علوم تجربی، محیط زیست، بهداشت محیط و متخصصان پزشکی شده است. بخصوص که با گذشت رشد و توسعه اقتصادی در دو قرن گذشته که بقول ناظر بشریت با ورود به موج دوم و سوار شدن بر اقتصاد صنعتی و صنعت دودکش، مخاطرات زیست محیطی فراوانی را بر طبیعت بکر تحمیل نمودند و با آلوده ساختن منابع طبیعی و زیستی، چون دریا و آبهای روان، قطع درختان جنگلی، تهدید جدی لایه حیاتی اوزون، آلودگی‌های تهدید صوتی و آلودگی‌های ناشی از دود آگروز اتومبیل‌ها، کارخانجات صنعتی و ...، تردیدهای جدی در هزینه‌ها و موهبت‌های توسعه موج دومی بشریت با ابزارهای صنعتی بوجود آمد و توأم با این چالش‌ها، مخاطرات دیگری چون افزایش بی‌رویه جمعیت جهان آن هم در جوامع پیرامونی و جهان سوم توأم با فقر مطلق در جوامع مذکور ناموزونی و ناپایداری برنامه‌های توسعه را در یکی دو قرن اخیر در اذهان متفکران گوناگون تداعی نمود و ضرورت تعمیق مفهوم توسعه پایدار را در بطن مطالعات برنامه‌های مختلف اجتماعی و صنعتی متبلور نموده است (بهرام زاده، ۱۳۸۳: ۵؛ واعظ زاده و همکاران، ۱۳۹۴).

ارتباط نزدیک میان توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی^۳ همان قدر که مهم است، می‌تواند بسیار به ارتقا و بهبود سردرگم کننده نیز باشد. شکی نیست که با ثبات سایر شرایط افزایش ثروت سطح زندگی می‌انجامد. بنابراین کاملاً طبیعی بود که نوشته‌های اولیه راجع

¹ Marwan and Ian King

² Esnisk and Lenta

³ economic growth

به اقتصاد توسعه، پس از آنکه بعد از جنگ جهانی دوم به صورت مبحثی مستقل مطرح شدند، تا حد زیادی بر روی و اشتغال کل روش‌های رسیدن به رشد اقتصادی و به خصوص افزایش تولید ناخالص ملی^۱ و اشتغال کل^۲ متمرکز شدند (لويس، ۱۹۹۵). فرایند توسعه اقتصادی را نمی‌توان از افزایش عرضه منابع غذایی، پوشاک، مسکن، خدمات پزشکی، تسهیلات آموزشی و غیره و همچنین از تغییر ساختارهای مولد در اقتصاد مجزا نمود؛ این تغییرات حیاتی و مهم بتردید از مسائل مرتبط با رشد اقتصادی به شمار می‌روند. اهمیت «رشد» باید وابسته به ماهیت متغیری باشد که افزایش آن، «رشد» قلمداد و در نظر گرفته میشود. بنابراین موضوع اصلی در رشد، بعد زمان نیست، بلکه افزایش تولید ناخالص ملی و متغیرهایی است که شاخص‌های رایج رشد بر آن متمرکزند. ارتباط بین تولید ناخالص ملی و شرایط زندگی، بسیار پیچیده است. از منظر اجتماعی در سطح عمومی و مشترک اغلب مشخصه‌هایی که ذیل مفهوم توسعه می‌توان برشمرد با آنچه ذیل سه مفهوم پیشرفت^۴، تکامل^۵ و نوسازی^۶ آورده می‌شود، کم و بیش یکسان است. هر چهار واژه یاد شده - که دوتای آن یعنی پیشرفت و تکامل قدیمی‌تر و دو تا دیگری یعنی توسعه و نوسازی جدید ترند- فرایندی را توصیف می‌کنند که بر گذار از مراحل فرودین به مراحل فرازین دلالت دارد. در عرصه علوم اجتماعی و خاصه در جامعه‌شناسی این فرایند گذار بر مفهوم «دگرگونی اجتماعی»^۷ جوامع منطبق است. دگرگونی اجتماعی از لحاظ لغوی به معنای تغییرات حادث شده در ساخت اجتماعی یا فرهنگی در طی زمان است (ریدینگ، ۱۹۷۹: ۶۷).

موضوع «توسعه»^۸ و «جامعه توسعه‌یافته»^۹ از محورهای عمده و تحلیل‌های اندیشمندان علوم اجتماعی است که تفکر در باب این مسأله را به مثابه مسأله‌ای بنیادی جامعه‌های انسانی برانگیخته است. موضوعی که دیدگاه‌ها و رویکردهای متعدد در باب توسعه، ابعاد، چگونگی دستیابی و سنجش این مفهوم را بسط داده و تعمیق کرده است. نخستین و عمومی‌ترین برداشت از مفهوم توسعه، در تئوری‌های اقتصادی و با اتکا به شاخص‌های «توسعه اقتصادی»^{۱۰} تعریف شده است که ملاک‌هایی، چون: افزایش درآمد، افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال و... را معرف توسعه در نظر می‌گیرد. این برداشت در نتیجه انتقادهای متعدد و با برجسب تقلیل‌گرایی به چالش کشیده شده است.

نظریات توسعه پیوستار بالنسبه وسیعی از انواع گفتمان مربوط به حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی و رویکردهای نظری و معرفت‌شناسی متفاوت را در بر می‌گیرد. از آنجا که محصول مستقیم این دیدگاه‌های نظری متفاوت الگوهای توسعه مختلفی است که در عمل به کار بسته شده‌اند، برای درک فرایند دگرگونی ناشی از کاربست این الگوها در نواحی متفاوت جهان ضروری است که دست کم خطوط اصلی این دیدگاه‌های مختلف باز شناخته شوند. مرور و تأمل در آرا صاحب‌نظران توسعه؛ از یک سو مستقیم باز گوی نوسان‌ها و چرخش‌های ضروری و یا نالازمی است که در الگوهای توسعه قابل تشخیص است و از سوی دیگر و به طور غیر مستقیم بازگویی تغییر سمت‌گیری در کشورهای جهان سوم یا به سخن دیگر تغییر مستمر هدف‌ها در برنامه‌ریزی دگرگونی‌های اجتماعی در این کشورهاست. این تغییر پیاپی هدف‌ها همان‌گونه که پارسونز تحلیل کرده است و در تاریخ وقایع اجتماعی جهان سوم نیز در نیم قرن گذشته می‌توان مشاهده کرد، جوامع را دچار بی‌ثباتی و دستخوش بی‌سازمانی و هرج و مرج می‌سازد. بر این اساس می‌توان گفت که بررسی آراء توسعه‌ی صاحب‌نظران توسعه اقتصادی و جامعه‌شناسی صرف نظر از شناخت خاستگاه

¹ Gross National Product (GNP)

² Total Employment

³ Lewis

⁴ advancement

⁵ Evolution

⁶ Modernization

⁷ Social Change

⁸ Reading

⁹ Development

¹⁰ Developed community

¹¹ Economic Development

الگوها و مدل‌های توسعه از حیث ریشه‌یابی دگرگونی اجتماعی و برخی مشکلات سیاسی در جوامع جهان پس از جنگ جهانی دوم نیز واجد اهمیت است.

در کل برخی در تعریف توسعه بر روند تاریخی آن پافشاری کرده‌اند و توسعه را عبارت از مرگ تدریجی نظام کهن و تولید و رشد تدریجی نظام تازه از زندگی تعریف نموده‌اند که این نظام تازه خود مرحله و شرایط تاریخی تازه‌ای برای جامعه خواهد بود. اندیشمندان کلاسیک اجتماعی همچون کنت، اسپنسر، دورکیم، مارکس، وبر، تونیس در این جرگه قرار می‌گیرند. در نهایت پژوهش حاضر سعی کرده با اتخاذ رویکردی مقایسه‌ای و تطبیقی، شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی که به نوعی توسعه انسانی می‌توان از آن نام برد را مطالعه و تحلیل کند. همچنین با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، مدل مفهومی تحقیق در نمودار شماره ۱. به صورت تماتیک ارائه شده است.



نمودار (۱): تصویر تماتیک ابعاد و مولفه‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه در دوران پساتحریم

روش‌شناسی

در این مطالعه از روش تحقیق کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده و به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از تکنیک و ابزار فیش‌برداری نظری و تحلیل مضمون و پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش کلیه اعضای هیات علمی و کارشناسان و دست‌اندرکاران اقتصادی و اجتماعی دانشگاه تهران بوده، با استفاده از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه، حجم جامعه آماری پژوهش ۹۸ نمونه در نظر گرفته شد که با نمونه‌گیری خوشه‌ای داده‌ها و اطلاعات لازم از این نمونه‌ها گردآوری شد. همچنین برای برآورد اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری یعنی قضاوت داوران و صاحب‌نظران و برای پایایی نتایج پرسشنامه و تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ بهره‌جستیم. ابتدا از طریق پیش‌آزمون ۱۵ پرسشنامه بین یک نمونه تصادفی توزیع شده سپس با استفاده از رایانه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد.

یافته‌ها

در سطح توصیفی بر اساس شاخص جنسیت تعداد نمونه‌های آماری مورد پژوهش مردان ۷۰ و تعداد زنان ۳۰ مورد بوده که از این بین ۷۳ نفر متأهل و ۲۳ نفر مجرد بودند. از نظر وضعیت تحصیلی، ۵۵ نفر کارشناسی، ۳۴ نفر ارشد و ۱۱ نفر در مقطع تحصیلی دکتری و به لحاظ سنی نیز بیشترین فراوانی مربوط به سنین ۳۶ تا ۴۵ سال بودند. همچنین برای چگونگی توزیع داده‌ها برای تعیین نرمال یا غیر نرمال بودن توزیع از پیش آزمون نرمالیت کلموگروف - اسمیرنوف استفاده شده که در جدول شماره ۱ ارائه شده است؛

جدول (۱): تست نرمالیت کلموگروف - اسمیرنوف

مولفه‌ها	تعداد	حد اکثر اختلاف‌ها			آماره آزمون	سطح معنی داری
		پارامترهای نرمال	مطلق	مبنی		
وضعیت فقر	۱۸	۲۶/۳۳	۱۰/۷۴	۰/۱۹۹	۰/۱۹۹	۰/۰۵۷
وضعیت مصرف	۱۸	۲۴/۵۵	۱۱/۶۹	۰/۲۴۶	۰/۲۳۸	۰/۰۰۵
وضعیت پسانداز	۱۸	۲۰/۶۲	۸/۴۰۹	۰/۱۵۹	۰/۱۵۹	۰/۲
وضعیت واردات	۱۸	۲۰/۶۲	۸/۴۰۹	۰/۱۵۹	۰/۱۵۹	۰/۲
وضعیت صادرات	۱۸	۲۰/۴۸	۸/۵۲۸	۰/۱۸۶	۰/۱۸۶	۰/۱۰۱
وضعیت اشتغال	۱۸	۲۰/۴۸	۸/۵۲۸	۰/۱۸۶	۰/۱۸۶	۰/۱۰۱
وضعیت سرمایه گذاری	۱۸	۱۹/۵۷	۹/۸۰۱	۰/۱۲۴	۰/۱۲۴	۰/۲
وضعیت آموزش	۱۸	۳۰/۴۵	۲۹/۰۵	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۰۰۱
وضعیت امنیت	۱۸	۳۴/۶	۲۵/۸۴	۰/۲۴۹	۰/۲۴۹	۰/۴
وضعیت تورم	۱۸	۲۲/۹۵	۸/۶۷۸	۰/۱۳۷	۰/۱۳۷	۰/۲

با توجه به نتایج نشان داده در نشان داده در جدول ۱ می توان گفت چون تمامی متغیرهای پژوهش سطح معنی داری بالاتری از ۰,۰۵ می باشند نرمال در نظر گرفته می شوند.

یافته‌های استنباطی

در این بخش یافته‌های استنباطی بر پایه آزمون فرضیات به منظور تحلیل مقایسه‌ای وضعیت ابعاد و مولفه‌های اجتماعی و اقتصادی «وضعیت فقر، وضعیت آموزش، وضعیت تورم، امنیت، اشتغال، واردات، صادرات، مصرف و وضعیت سرمایه گذاری» در دوران پسا تحریم مورد بررسی قرار گرفته که نتایج کلی آن در جدول ذیل آورده شده است؛

جدول (۲): بررسی مقایسه‌ای ابعاد و مولفه‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه در دوره‌های قبل و بعد از تحریم

متغیر	دوره	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	df	t	p
وضعیت فقر	قبل از تحریم	۹	۳۶/۰۰۸۹	۲/۸۶۵۷۴	۰/۹۵۵۲۵	۱۶	۹/۹۰۴	۰/۰۰۰
	بعد از تحریم	۹	۱۶/۶۴۶۷	۵/۱۱۷۳۴	۱/۷۰۵۷۸			
وضعیت آموزش	قبل از تحریم	۹	۱۴/۴۸۸۹	۷/۶۷۶۱۴	۲/۵۵۸۷۱	۱۶	-۷/۶۱۹	۰/۰۱
	بعد از تحریم	۹	۳۴/۶۰۸۹	۱/۹۵۷۹۶	۰/۶۵۲۶۵			
وضعیت تورم	قبل از تحریم	۹	۱۹/۴۰۵۶	۹/۸۳۵۳۸	۳/۲۷۸۴۶	۱۶	-۱۰/۸۵۱	۰/۰۳۳
	بعد از تحریم	۹	۲۶/۴۸۷۸	۵/۹۲۳۳۳	۱/۹۷۴۴۴			
وضعیت امنیت	قبل از تحریم	۹	۱۴/۷۴۳۳	۶/۱۳۰۵۲	۲/۰۴۳۵۱	۱۶	۸/۸۹۷	۰/۰۰۰
	بعد از تحریم	۹	۵۴/۴۶۳۳	۲۲/۲۲۶۹۶	۷/۴۰۸۹۹			
وضعیت اشتغال	قبل از تحریم	۹	۲۶/۱۶۲۲	۵/۵۷۵۵۲	۱/۸۵۸۵۱	۱۶	۳/۷۶۳	۰/۰۲۱
	بعد از تحریم	۹	۱۴/۸۰۵۶	۷/۱۳۵۰۲	۲/۳۷۸۳۴			
وضعیت واردات	قبل از تحریم	۹	۱۲/۵۱۶۷	۶/۹۴۴۴۱	۲/۳۱۵۴۷	۱۶	-۷/۶۵۷	۰/۰۰۰
	بعد از تحریم	۹	۳۹/۶۰۸۹	۸/۰۲۵۸۸	۲/۶۷۵۲۹			
وضعیت صادرات	قبل از تحریم	۹	۱۴/۱۹۱۱	۸/۵۰۴۵۶	۲/۸۳۴۸۵	۱۶	-۵/۴۴۶	۰/۰۰۸
	بعد از تحریم	۹	۳۳/۱۴۷۸	۶/۰۵۹۱۲	۲/۰۱۹۷۱			
وضعیت پس انداز	قبل از تحریم	۹	۱۴/۷۴۳۳	۶/۱۳۰۵۲	۲/۰۴۳۵۱	۱۶	-۴/۱۳۳	۰/۰۰۱
	بعد از تحریم	۹	۲۶/۴۸۷۸	۵/۹۲۳۳۳	۱/۹۷۴۴۴			
وضعیت مصرف	قبل از تحریم	۹	۱۲/۴۸۸۹	۷/۶۷۶۱۴	۲/۵۵۸۷۱	۱۶	-۷/۶۱۸	۰/۰۰۰
	بعد از تحریم	۹	۳۴/۶۰۸۹	۱/۹۵۷۹۶	۰/۶۵۲۶۵			
وضعیت سرمایه گذاری	قبل از تحریم	۹	۱۲/۶۴۷۸	۷/۸۲۹۸۱	۰/۶۰۹۹۴	۱۶	-۴/۲۲۹	۰/۰۰۰
	بعد از تحریم	۹	۲۶/۴۸۷۸	۵/۹۲۳۳۳	۱/۹۷۴۴۴			
شاخص های اجتماعی و اقتصادی	قبل از تحریم	۹	۱۷۱/۳۵۲۲	۴۸/۳۵۳۷۱	۱۶/۱۱۷۹۰	۱۶	-۶/۰۷۴	۰/۰۰۰
	بعد از تحریم	۹	۳۲۷/۲۰۷۸	۵۹/۸۹۸۸۰	۱۹/۹۶۶۲۷			

مطابق با نتایج آزمون آماری تی تست در جدول شماره ۲ وضعیت ابعاد و مولفه های اجتماعی و اقتصادی توسعه در دوران قبل و بعد

از تحریم مقایسه شده که نتایج آن برای تمامی ابعاد و مولفه‌ها به شرح ذیل بیان می‌گردد؛

بین عامل وضعیت فقر قبل از تحریم و بعد از تحریم چون مقدار t محاسبه شده (۹,۹۰۴) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد بین میانگین های دو گروه فوق الذکر در عامل وضعیت فقر تفاوت معنا دار وجود دارد. با توجه به معنادار شدن اختلاف بین دوره در عامل بعد وضعیت فقر و با توجه به بالاتر بودن میانگین دوره قبل از (۳۶,۰۰۸۹) و اختلاف معناداری در این زمینه وضعیت فقر در دوره پساتحریم دارای کاهش می‌باشد.

بین عامل وضعیت آموزش قبل از تحریم و بعد از تحریم بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲ چون مقدار t محاسبه شده (۷,۶۱۹) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد بین میانگین های دو گروه فوق الذکر در عامل وضعیت آموزش تفاوت معنا دار وجود دارد. با توجه به معنادار شدن اختلاف بین دوره در عامل بعد وضعیت آموزش و با توجه به بالاتر بودن میانگین دوره بعد از تحریم (۳۴,۶۰۸۹) و اختلاف معناداری در این زمینه وضعیت آموزش در دوره پساتحریم دارای افزایش می‌باشد.

بین عامل وضعیت تورم قبل از تحریم و بعد از تحریم چون مقدار t محاسبه شده (۱۰,۸۵۱) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد بین میانگین های دو گروه فوق الذکر در عامل وضعیت تورم تفاوت معنا دار وجود دارد. با توجه به معنادار شدن اختلاف بین دوره در عامل بعد وضعیت تورم و با توجه به بالاتر بودن میانگین دوره بعد از

تحریم (۳۲۶,۴۸۷۸) و اختلاف معناداری در این زمینه وضعیت تورم در دوره پساتحریم وجود دارد و نشان می‌دهد که وضعیت تورم در دوره پساتحریم دارای کاهش دارای افزایش می‌باشد.

بین عامل وضعیت امنیت قبل از تحریم و بعد از تورم چون مقدار t محاسبه شده (۱۰,۸۵۱) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین بااطمینان ۹۵ درصد بین میانگین های دو گروه فوق الذکر در عامل وضعیت امنیت تفاوت معنا دار وجود دارد. با توجه به معنادار شدن اختلاف بین دوره در عامل بعد وضعیت امنیت و با توجه به بالاتر بودن میانگین دوره بعد از تحریم (۵۴,۴۶۳۳) و اختلاف معناداری در این زمینه وضعیت امنیت در دوره پساتحریم وجود دارد و نشان می‌دهد که وضعیت امنیت در دوره پساتحریم دارای افزایش می‌باشد.

بین عامل وضعیت اشتغال قبل از تحریم و بعد از تحریم چون مقدار t محاسبه شده (۳,۷۳۶۳) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین بااطمینان ۹۵ درصد بین میانگین های دو گروه فوق الذکر در عامل وضعیت واردات تفاوت معنا دار وجود دارد و نشان می‌دهد که وضعیت اشتغال در دوره پساتحریم دارای کاهش می‌باشد.

بین عامل وضعیت واردات قبل از تحریم و بعد از تحریم چون مقدار t محاسبه شده (۷,۶۵۷) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین بااطمینان ۹۵ درصد بین میانگین های دو گروه فوق الذکر در عامل وضعیت واردات تفاوت معنا دار وجود دارد و نشان می‌دهد که تفاوت وضعیت واردات قبل از تحریم و بعد از تحریم وجود دارد. با توجه به معنادار شدن اختلاف بین دوره در عامل بعد وضعیت واردات با توجه به بالاتر بودن میانگین دوره بعد از تحریم (۳۹,۶۰۹۸) و اختلاف معناداری در این زمینه وضعیت واردات در دوره پساتحریم وجود دارد و نشان می‌دهد که وضعیت واردات در دوره پساتحریم دارای افزایش می‌باشد.

بین عامل وضعیت صادرات قبل از تحریم و بعد از تحریم چون مقدار t محاسبه شده (۵,۵۴۶۷) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین بااطمینان ۹۵ درصد بین میانگین های دو گروه فوق الذکر در عامل وضعیت صادرات تفاوت معنا دار وجود دارد و نشان می‌دهد که تفاوت وضعیت صادرات قبل از تحریم و بعد از تحریم وجود ندارد و با توجه به بالاتر بودن میانگین دوره بعد از تحریم (۳۳,۱۴۷۸) و اختلاف معناداری در این زمینه وضعیت صادرات در دوره پساتحریم وجود دارد و نشان می‌دهد که وضعیت صادرات در دوره پساتحریم دارای افزایش می‌باشد.

بین عامل وضعیت پس انداز قبل از تحریم و بعد از تحریم چون مقدار t محاسبه شده (۴,۱۳۳) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین بااطمینان ۹۵ درصد بین میانگین های دو گروه فوق الذکر در عامل وضعیت پس انداز تفاوت معنا دار وجود دارد. با توجه به معنادار شدن اختلاف بین دوره در عامل بعد وضعیت پس انداز و با توجه به بالاتر بودن میانگین دوره بعد از تحریم (۲۶,۴۸۷۸) و اختلاف معناداری در این زمینه وضعیت پس انداز در دوره پساتحریم وجود دارد و نشان می‌دهد که وضعیت پس انداز در دوره پساتحریم دارای افزایش می‌باشد.

بین عامل وضعیت مصرف قبل از تحریم و بعد از تحریم چون مقدار t محاسبه شده (۷,۶۱۹) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین بااطمینان ۹۵ درصد بین میانگین های دو گروه فوق الذکر در عامل وضعیت مصرف تفاوت معنا دار وجود دارد. با توجه به معنادار شدن اختلاف بین دوره در عامل بعد وضعیت مصرف و با توجه به بالاتر بودن میانگین دوره بعد از تحریم (۳۴,۶۰۸۹) و اختلاف معناداری در این زمینه وضعیت مصرف در دوره پساتحریم وجود دارد و نشان می‌دهد که وضعیت مصرف در دوره پساتحریم دارای افزایش می‌باشد.

بین عامل وضعیت سرمایه گذاری قبل از تحریم و بعد از تحریم چون مقدار t محاسبه شده (۴,۲۲۹) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین بااطمینان ۹۵ درصد بین میانگین های دو گروه فوق الذکر در عامل وضعیت مصرف تفاوت معنا دار وجود دارد. با توجه به معنادار شدن اختلاف بین دوره در عامل بعد وضعیت سرمایه گذاری و با توجه به بالاتر بودن میانگین

دوره بعد از تحریم (۲۶,۴۸۷۸) و اختلاف معناداری در این زمینه وضعیت سرمایه گذاری در دوره پساتحریم وجود دارد و نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه گذاری در دوره پساتحریم دارای افزایش می‌باشد.

بین عامل شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور قبل از تحریم و بعد از تحریم چون مقدار t محاسبه شده (۶,۰۷۴) در درجه آزادی ۱۶ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد بین میانگین‌های دو گروه فوق‌الذکر در عامل وضعیت مصرف تفاوت معنا دار وجود دارد. با توجه به معنادار شدن اختلاف بین دوره در عامل بعد شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور و با توجه به بالاتر بودن میانگین دوره بعد از تحریم (۳۲۷,۲۰۷۸) و اختلاف معناداری در این زمینه شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور در دوره پساتحریم وجود دارد و نشان می‌دهد که شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور در دوره پساتحریم دارای افزایش می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پس از سال ۱۳۶۷ دوران جدیدی برای دستیابی به توسعه در اقتصاد ایران آغاز شد. گرچه از این دوران تحت عنوان خصوصی‌گرایی یاد می‌شود اما کشور شاهد برنامه‌گرایی و رویکرد برنامه‌ریزی نیز بود. بعد از طراحی و اجرای پنج برنامه، در سال ۱۳۶۷ دولت وقت، برنامه‌ای را با استراتژی جایگزینی واردات به مجلس تقدیم نمود. اما در دولت آقای هاشمی این برنامه از مجلسی بازپس گرفته شد و با اصلاحات مجدداً به مجلسی تقدیم گردید. این اقدام موجب شد. که از سال ۱۳۶۹ مجدداً رویکرد برنامه‌ای با برنامه اولی توسعه آغاز شود. سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ را می‌توان دوره خصوصی‌گرایی نامید که در مقابل دوران تمرکزگرایی قرار دارد (نویخت، ۱۳۸۳: ۴۶۸).

از سال ۱۳۶۸ پذیرفته شد که کشور به سمت اقتصادی حرکت کند که دولت در آن کمترین سهم را داشته باشد، یعنی حرکت به سمت خصوصی‌گرایی و جدایی از تمرکز دولت. با این همه، به رغم همه تلاش‌هایی که در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه به عمل آمد، همچنان اقتصاد ایران دولتی بود به طوریکه همچنان ۷۰ تا ۸۰ درصد از تولید ناخالصی داخلی دولتی بود. با وجود مساعی سه برنامه یادشده، رشد اقتصادی غالباً پایین و متوسط بود. بیشترین رشد اقتصادی در برنامه اول حدود ۸/۷ درصد بود اما در سایر سال‌ها رشد اقتصادی پایین و حتی منفی هم شد. به هر تقدیر رشد اقتصادی در دوران خصوصی‌گرایی یا برنامه‌گرایی پایین و متوسط بود و در مجموع با نیازمندیهای اقتصادی کشور تناسب نداشت. این در حالی بود که اقتصاد ایران شاهد افزایشی رشد شدید تقاضا بود. منتهی تحریک تقاضا برای اقتصادهای مطلوب است که بخش عرضه آنها انعطاف پذیر باشد. اما قبل از این که طرف عرضه گسترش یابد، طرف تقاضا رشد یافت. حاصل این شد که اقتصاد ایران با تورم مواجه گردید (همان: ۴۷۰).

تحریم اقتصادی به معنی اقدامات غیرنظامی است که بر انتقال کالا، خدمات و یا سرمایه به یک کشور خاص، تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و هدف از برقراری آن، تنبیه یا مجازات و یا وادار ساختن آن کشور به تطبیق خود با اهداف سیاسی دولت تحریم‌کننده و یا بیان ناخرسندی کشور تحریم‌کننده از اقدامات و رفتارهای آن کشور است. همچنین تحریم اقتصادی به معنی توقف عمدی یا تهدید به توقف روابط معمول تجاری یا مالی از سوی یک دولت است (بهروزی‌فر، ۱۳۸۴: ۱۹۸-۱۹۹).

همچنین هر قیدی که به وسیله کشور تحریم‌کننده بر تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی کشور هدف، در راستای وادار ساختن آن به تغییر سیاست‌هایش وضع شود، تحریم اقتصادی نام دارد. تحریم‌های اقتصادی به انواع گوناگون تقسیم می‌شوند نظیر: محدودیت صادرات که از طریق ممانعت از واردات یا ایجاد محدودیت جریان مالی (سرمایه تجاری، اعتبارات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و کمک‌های دوجانبه)، شامل توقیف دارایی‌های کشور هدف که در دسترس و کنترل کشور تحریم‌کننده قرار دارند. تحریم تجاری از طریق از دست دادن بازارهای صادراتی یا محروم شدن از واردات کالاهای حیاتی، کاهش قیمت کالاهای صادراتی که در لیست تحریم قرار دارند و افزایش قیمت کالاهای وارداتی، هزینه زیادی را به کشور هدف تحمیل می‌کنند (هوفار و همکاران،

۲۰۰۷: ۴۵). همچنین کشور هدف اغلب از طریق وقفه در کمک‌های خارجی یا سایر انواع روش‌های تأمین مالی رسمی و حتی محدودیت اخذ و ام از بخش خصوصی آسیب می‌بیند. اعمال تحریم مالی به دلایل زیر از تحریم‌های تجاری آسان‌تر است:

- دولت‌ها و موسسات ملی بین‌المللی تأمین‌کننده و تضمین‌کننده مهم جریان‌های مالی بویژه برای کشورهای فقیر هستند؛
- بازارهای مالی مقررات و قواعد را نسبت به بازارهای کالا بیشتر رعایت می‌کنند؛
- در مقایسه با تجارت بین‌المللی، تعداد کمی از بازیگران بزرگ در جریان‌های مالی بین‌المللی درگیر هستند و نظارت بر آن آسان‌تر است (همان: ۴۶).

توسعه اقتصادی بدون تکیه بر «زیرساخت‌های حقوقی» و محاسبه مقتضیات عرصه عمومی، متزلزل و نامرغوب خواهد بود؛ این «نظام حقوقی» است که به صورت‌بندی، ساختارسازی و شالوده‌پردازی سامانه اقتصادی مبادرت می‌کند؛ از همین‌رو هرچند به‌نظر می‌رسد ابتکار عمل ندارد، اما هنر زمینه‌سازی و جهت‌بخشی را برعهده می‌گیرد. پیش‌بینی ابزار کنترل‌کننده بازار ضمن وضع قوانین و مقررات‌گذاری، کارویژه «رژیم حقوقی» در این فرایند است؛ باید در افق پساتحریم، سبک و سیاق مقررات‌گذاری خود را ترسیم و اصلاح کنیم. مجموعه مقررات‌گذار باید چنان زمینه‌سازی کند که فرصت یک جهش و خیزش اقتصادی را سبب شود (نقره‌کار، ۱۳۹۴: ۲۷). انضباط و بسامانی این روند با ملاحظات به شرح ذیل متصور است:

نظام حقوقی بر سلسله اصول و استانداردهایی استوار است؛

مؤلفه‌هایی «بنیادین» یا «موردی» دارد که به فراخور موضوع، جهت بخش مسیر است؛ اصل برابری، عدم تبعیض، رقابت در شرایط مساوی، رعایت مقتضای شایستگی، از بین بردن عوامل محل عدل و انصاف، اصل خیر عمومی و منفعت عمومی و تحصیل حداکثری مصالح شهروندان، شفافیت، فساد ستیزی، اجرای قانون، التزام به آزادی فردی در عین التفات به نظم و امنیت عمومی، تأمین رفاه، آسایش و برخورداری حداکثری شهروندان، توزیع عادلانه امکانات، فرصت‌های برابر، اطلاعات اقتصادی در دسترس همگان، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و انجام اقدامات جبران‌ساز برای دهک‌های پایین‌دستی و ناتوان، حتماً باید در این نظام حقوقی تثبیت شود (امیرارجمند، ۱۳۸۶: ۷۲-۷۴).

این مجموعه باید بگوید یک‌سری کارها را انجام می‌دهد، از یک‌سری کارها احتراز می‌کند و نیز از برخی مسائل حمایت مثبت می‌کند. صلاحیت تکلیفی و اختیاری مقام عمومی و مقررات‌گذار در افق و شعاع این اصول معنا می‌یابد. نظام حقوقی استاندارد یک فرصت برای سلامت و توان‌بخشی سیستم اقتصادی در راستای برخورداری از «حقوق اقتصادی شهروندی» است.

نوسازی، بهسازی و بازسازی سیستم، «سازمان، برنامه و روش» می‌خواهد؛

برای مثال اتخاذ سیاست‌های تشویقی به‌منظور تحرک بازار تولید و کارآفرینی مفید و مولد، کاهش صادرات مواد خام و اولیه و افزایش صادرات کالاهای با ارزش افزوده ضرورت دارد.

رویکرد تشویقی مقررات‌گذار به صادرات محصولات و کاهش قیمت تمام‌شده و افزایش کیفیت تولیدات، ضمن وضع قوانین ضدانحصاری و تأمین بستر رقابت سالم و هم‌افزاینده، به‌منظور جذب سرمایه‌ها برای توسعه زیرساخت‌ها ضرورت دارد. مقررات تجارت خارجی و کنترل ارزی، مقررات اوراق بهادار و بازار بورس و حقوق رقابت، نیازمند خوانش نو و بازنگری است. قوانین مندرس یا ناهمگون، خطرساز و فرصت‌سوزاند؛ ارتقای شاخص‌های آزادی کسب و کار نسبت مستقیمی با افزایش GDP کشور دارد و باید از این وضعیت فاصله بگیریم. اعطای تسهیلات به واحدهای تولیدی به جای گسیل شدن سرمایه‌های بانکی به عرصه دلالتی و باند بازی اقتصادی، یک ضرورت است. متأسفانه برخی بانک‌ها به‌جای کار خدماتی، خود غول دلالتی شده‌اند و با فرصت‌های ویژه، جابه‌جایی پول و ارز و سکه و زمین، عامل عمده تورم و کاهش ارزش پول ملی‌اند.

در این میان، برنامه‌ای برای مدیریت نقدینگی مشاهده نمی‌شود و یک روز بازار مسکن و یک روز موبایل و یک روز سکه و خودرو، میهمان ناخوانده و نامفید این سرمایه‌های ملی‌اند. ساختار درآمد مردم غیرعادی و ناهمگون است. تبعیض طبقاتی و فاصله بی‌مبنا و

بی‌اتکا به تلاش و زحمت، یک خطر اجتماعی است که آثار منفی روانی برای شهروندان دارد. ورشکستگی‌ها و شکوفایی‌های یک‌شبه و حباب‌گون بیش از حد متعارف است. اصلاح سیستم مالیاتی، انضباط و سلامت مالی دولت، تنظیم صحیح بودجه، کوچک‌سازی دولت و کاهش جدی تصدی‌گری‌ها، دولت را به‌عنوان مقررات‌گذار و نه مباشر و متولی، کوتاه‌کردن دست مفسدان و رانت‌سوارها، اصلاح نظام پولی و مالی، بالا بردن بهره‌وری و اصلاح مدیریت تولید، جلوگیری از هرزرفت منابع و صرفه‌جویی دولتی مفروض نظام حقوقی است. تبلی و رخوت و افسردگی و خمودی زیننده یک کشور خوش‌تبار نیک‌آیین و کهن‌بوم نیست بلکه باید فرهنگ کار و تولید ترویج شود و مقررات‌گذار همه قطعات این پازل را می‌بیند (علیزاده افشار و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۴-۳۶). مفهوم توسعه اجتماعی به مراتب بیش از برآورده نمودن نیازهای مادی است. این مفهوم با تمرکز بر روی تغییر ارزش‌های فردی و اجتماعی حاکم در جستجوی انسجام اجتماعی و هویت جمعی است که البته سنجش میزان دستیابی به این هدف کار چندان ساده‌ای نیست. همچنین در این راستا مشارکت اجتماعی، وفاق اجتماعی، سرمایه اجتماعی، ظرفیت‌سازی و ایجاد فرصت، توانمندسازی، تبعیض‌زدایی، شهروند محوری، امنیت فردی و جمعی، عدالت اجتماعی و فقرزدایی مشارکتی از جمله اهداف کیفی توسعه اجتماعی در برابر تحریم‌های وارده محسوب می‌شوند (مرزبان و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷).

مهم‌ترین شاخص اندازه‌گیری توسعه سرمایه اجتماعی عمل به قانون در تمام سطوح است، اما زمانی که برخی دولت‌مردان و قانون‌گذاران خود دست به نقض قانون می‌زنند که شاید در دوره‌ای خود آنها وضع‌کننده همین قوانین بودند، دیگر نباید انتظار تبعیت از قانون را از مردم عادی داشت و باید انتظار حوادث تحریم‌زا همچون تحریم‌های بعمل آمده بعد از اتفاق سال ۱۳۸۸ را داشت که به طور شدیدی منجر به تحریم اجتماعی از سوی دشمنان جمهوری اسلامی در جامعه شد.

تحریم‌های اجتماعی در سطوح بالاتر قدرت تخریب بالاتر و عمیق‌تری دارند. درحالی‌که اگر کشوری شاخص‌های سرمایه اجتماعی ما را تحریم کند و دچار نقض در سطوح مختلف عقلانیت شود، تاثیر مخرب این تحریم‌های اجتماعی بر جامعه بسیار بیشتر از آسیبی است در اتفاقاتی همچون فاجعه سال ۱۳۸۸ رخ می‌دهد. بر این اساس تزریق روحیه ناامیدی و بی‌اعتمادی به جامعه از سوی ملل تحریم‌کننده، تخریب رابطه ملت و دولت و مخدوش کردن چهره سیاست‌مداران که سرمایه‌های سیاسی یک کشور هستند، منجر به ایجاد محیطی ناآرام و پرتشنج می‌کند که در نهایت هزینه مبادله در اقتصاد را افزایش داده و حرکت چرخ‌های یک اقتصاد را کند می‌کند، بطوریکه هزینه اوضاع بد اقتصادی بخاطر تحریم‌ها را اقشار ضعیف و دهک‌های پائین، بیشتر متحمل می‌شوند.

همچنین آشوب‌ها و ناآرامی‌های که موجب نوسانات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده در جمهوری اسلامی ایران بر اساس تحریم‌ها شد، سبب تخریب یا کندی رشد رتبه ایران در بسیاری از شاخص‌های بین‌المللی مانند شاخص حکمرانی خوب^۱، تنزل ۴۴ رتبه‌ای اقتصاد ایران از رتبه ۷۰ در سال ۲۰۱۲ به رتبه ۱۱۴ در سال ۲۰۱۴، تنزل سه رتبه ایران در شاخص آزادی‌های شخصی از ۱۲۵ به ۱۲۸ در همین دوره، تنزل یک رتبه‌ای در شاخص آرامش و امنیت از ۱۲۵ به ۱۲۶، تنزل یک رتبه‌ای از ۶۶ به ۶۷ در شاخص‌های سلامت، بهداشت عمومی و امید به زندگی، توقف رشد سالیانه ایران در امور آموزش و تحصیلات در رتبه ۵۷، کاهش روند فزاینده در ایران در شاخص سرمایه اجتماعی و تخریب امتیاز ایران در شاخص‌های ده گانه ریسک بین‌المللی (ICRG)^۲، شده است (پیری، ۱۳۹۲: ۱۵۷-۱۵۸).

در نهایت باید تاکید کرد که عوامل بسیاری چون تحریم‌های اجتماعی در شاخص‌های توسعه اجتماعی موثر هستند اما این نکته نیز مهم است که ناآرامی‌ها و نقطه ضعف‌های داخلی نیز بصورت آشکار و پنهان بر بسیاری از شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی ایران تاثیرگذار بوده است و سهم عمده‌ای در تاثیرپذیری شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی حاکم بر جامعه داشته است.

¹ Good Governance index

² International risk

انجام این مطالعه، از یک سو، امکان ارزیابی رشد شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی کشور در دوره زمانی پسا تحریم را می‌سازد و از طرف دیگر، جایگاه ایران را در بین کشورهای منطقه مشخص ساخته و سنجش دقیقی از تلاش‌های صورت گرفته برای دستیابی به اهداف را فراهم می‌سازد. بر این اساس اقداماتی که در چهارچوب تحریم‌ها در نظر گرفته می‌شود، موجب بالا رفتن آنتروپی مثبت در سیستم‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تضعیف آنها و در نهایت در بیشتر موارد مجبور به پذیرش درخواست‌های طرف تحریم کننده می‌شود. همچنین به طور قطع تحریم‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی همیشه با آثار ناخواسته همراه بوده است که بدون هرگونه تفکیک یا تمایزی، به نیروهای نظامی و غیرنظامی به خصوص به گروه‌های آسیب پذیر کشورها، صدمه وارد می‌آورد. به همین جهت شورای امنیت باید این مسأله را در نظر بگیرد. به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هیچ ملتی را نمی‌توان در هیچ شرایطی از وسایل معاش خود محروم کرد در مجموع، تحریم‌های اعمالی از سوی شورای امنیت با توجه به گستردگی و نقض حقوق ایران با اصل تناسب و ضرورت انطباق ندارد و موجب نقض حقوق ایرانیان شده است.

فقدان شاخص‌های کمی مناسب باعث شده تا عمده مطالعات مرتبط با بررسی آثار تحریم‌ها به تبیین مجاری اثرگذاری تحریم بر فضای اقتصادی - اجتماعی معطوف شود. تحریم‌ها صرف از نظر از موفقیت و شکست در دستیابی به هدف غایی، بر بخش‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی همچون صادرات، واردات، سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، اشتغال، نحوه مصرف، آموزش، امنیت، تورم، رکود، فقر، رفاه اجتماعی، امید به آینده و ... تاثیرگذار هستند. بنابراین، برای سیاست‌گذاری‌های دقیق در این حوزه‌ها لازم است در کنار کانال‌های اثرگذاری، میزان دقیق اثرات تحریم بر این بخش‌ها براساس مدل‌های کمی مورد ارزیابی قرار گیرد. لذا، در این مطالعه تاثیرپذیری بخش‌های صادرات، واردات، سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، اشتغال، نحوه مصرف، آموزش، امنیت، تورم، رکود، فقر، رفاه اجتماعی، امید به آینده و ... از تحریم‌ها و ضرورت حمایت‌های دولتی مورد بررسی قرار گرفت.

همچنین از منظر جامعه‌شناختی در دوران پسا تحریم، شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی همچون: واردات و صادرات بر اثر برداشتن تحریم‌ها در بین ایران و سایر کشورها از رونق روبه پیشرفتی برخوردار می‌شوند و این امر سبب شده است تا تاثیر مثبت و مستقیمی بر اکثر شاخص‌های توسعه بگذارد مثلاً شاخص آموزش باعث شده است تا با امنیت بالا و بدون دغدغه مسیرش را بسوی توسعه یافتگی پیش ببرد. همچنین با برداشتن تحریم‌ها و وارد شدن به دوران پسا تحریم می‌توان دید که مشاغلی که بر اثر تحریم محدود شده بود دوباره رونق پیدا کند و این امر مطمئن باعث کاهش چشمگیری از شاخص فقر و حتی مصرف‌گرایی افراطی می‌شود.

پیشنهادها

در راستای نتایج این تحقیق پیشنهادات زیر ارائه گردید:

- سیاست‌های پولی، اعتباری و بانکی

تغییر رویکرد سیاست‌های پولی بانک مرکزی از حالت انفعال به حالت فعال، با بازنگری مجدد جایگاه بانک مرکزی، اعطای درجه ای از استقلال و اختیارات قانونی و توسعه ابزارها به منظور توانایی کنترل پایه پولی با پشتوانه کارشناسی و مسوولیت پذیری؛ قاعده‌مندی سیاست پولی به منظور کنترل تورم با تاکید بر شکاف تولید و رقابت پذیری اقتصاد؛ اصلاح نظام بانکی شامل شناسایی و پایش سلامت بانک‌ها (کفایت سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، کیفیت مدیریت، سودآوری، کیفیت نقدینگی، نحوه گردش‌داری‌ها، مطالبات غیرجاری) / تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط / ساماندهی موسسات مالی غیرمجاز؛ تعیین تکلیف منابع آزاد شده؛ رفع موانع و آمادگی نظام بانکی برای گسترش مبادلات مالی در سطح استانداردهای بین‌المللی؛ رفع موانع فعالیت شعب بانک‌های خارجی در کشور.

- سیاست‌های مالی و بودجه‌ای

تدوین و اجرای قاعده مالی به منظور قطع وابستگی مخارج دولت به تحولات درآمدهای نفتی و نرخ ارز از طریق باز تعریف صندوق ثروت ملی در راستای دو هدف پایدار سازی بودجه دولت و توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛ بهره‌برداری اهرم از منابع

جدید ریالی؛ اصلاح شیوه تامین مالی پروژه‌های عمرانی دولت؛ واگذاری طرح‌های عمرانی انتفاعی؛ اجرای بودجه ریزی عملیاتی؛ مدیریت بدهی‌های دولت.

- سیاست‌های ارزی و ارتقای رقابت پذیری

تدوین سیاست ارزی در جهت حمایت از صادرات و تولید؛ تعیین نحوه مدیریت منابع ارزی خارج از کشور با تاکید بر بهره‌برداری اهرمی از منابع جدید ارزی؛ ارائه برنامه یکسان سازی نرخ ارز به منظور انتقال نظام ارزی دو گانه فعلی به نرخ ارز مدیریت شده با هدف ارتقای رقابت پذیری اقتصاد از طریق ایجاد ثبات در نرخ ارز حقیقی (ونهنرخارزاسمی)، مشروط بر تعهد بانک مرکزی و اعتبار چارچوب سیاست پولی هدف گذاری تورم.

- سیاست‌های جاری

توسعه تجارت با محوریت افزایش صادرات غیر نفتی مبتنی بر کارآیی و ارزش افزوده؛ بازنگری سیاست‌های تعرفه‌ای با رویکرد حمایت از تولید و ارتقای رقابت داخلی؛ مبارزه با امر قاچاق با تاکید اولیه بر بازنگری سیاست‌های اقتصادی؛ برنامه هماهنگ سازی سیاست‌های تجاری با الزامات پیوست نه‌سازمان تجارت جهانی؛ بررسی موانع غیرتعرفه‌ای و غیر فنی؛ اصلاح بازار سرمایه؛ توسعه بازار اولیه در تشکیل سرمایه / گسترش اوراق بهادار دولتی / تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی بزرگ / ایجاد نوع درازارهای مالی؛ جذب منابع مالی خارجی از طریق جذب منابع ایرانیان خارج از کشور در قالب سپرده و اوراق بهادار / حمایت از فهرست شدن شرکت‌های بورسی ایرانی در بورس‌های خارجی / افزایش شفافیت و ارتقای استانداردها در نهادهای مالی - پولی تا سطح استانداردهای بین‌المللی؛ آماده کردن شرایط برای سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه ه ایران.

- سیاست‌های حمایتی و تامین اجتماعی

کاهش فقر و توسعه عدالت اقتصادی با رویکرد رفع فقر خانوارهای با سرپرست جوان از طریق رشد اقتصادی، بهبود فضای کسب و کار و ایجاد اشتغال درآمدزا و همچنین افزایش دسترسی به اعتبار به خصوص وام‌های خرد / رفع فقر خانوارهای با سرپرست مسن از طریق پوشش نظام تامین اجتماعی؛ تمرکز تدریجی سیاست‌های حمایتی دولت در نظام تامین اجتماعی با ایجاد چتر حمایتی برای گروه‌های مورد هدف و جلوگیری از توزیع فراگیر یارانه‌های نقدی و غیرنقدی به منظور توسعه عدالت و بهبود معیشت اقشار نیازمند با شناسایی مشخصه‌های فقر و پایش مستمر اثرات صلاحات اقتصادی بر آن؛ بازنگری و بهبود شیوه‌های تامین مالی طرح سلامت به منظور پایدار سازی طرح؛ ساماندهی منابع قرض الحسنه نظام بانکی در چارچوب طراحی یک نظام تامین مالی خرد به منظور کاهش فقر و بهبود معیشت اقشار کم درآمد و همچنین توسعه کسب و کارهای کوچک

- توسعه صادرات غیرنفتی

توسعه صادرات غیرنفتی با جهت‌گیری صادرات مبتنی بر فناوری برتر؛ توسعه زیر ساخت‌های تجاری؛ تسهیل دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به بازارهای جدید صادراتی؛ توسعه صنعت گردشگری با مشارکت فعال بخش خصوصی ا رویکرد اقتصادی و فرهنگی؛ همکاری‌های بین‌المللی؛ توسعه همکاری‌های مشترک با خارجیان در زنجیره تولید؛ تنوع بخش پیوندهای اقتصادی با کشورها؛ ورود ه پیمان‌های منطقه‌ای؛ توسعه قراردادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه‌های حمل و نقل و انرژی؛ فعال شدن دیپلماسی اقتصادی در شرایط جدید گشایش روابط بین‌الملل به عنوانی که وظیفه مهم ولی فراموش شده سیاست خارجی کشور؛ توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تامین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج؛ ارتقای سطح و کیفیت تولیدات داخلی؛ بازنگری کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، مهار فساد و بهبود فضای کسب و کار؛ ارتقای فناوری (تولید، انتقال، جذب و اشاعه دانش فنی) و توسعه فعالیت‌های دانش‌بنیان؛ ارتقای کیفیت و رقابت پذیری تولیدات داخلی با تاکید بر اصلاح ساختار بازارها و مقررات قیمت گذاری؛ توسعه بخش خصوصی و بازنگری واگذاری بنگاه‌های دولتی، با توجه به رویکرد و هدف سیاست‌های کلی اصل ۴۴؛ ارتقای استاندارد و توسعه نشان تجاری؛ آماده‌سازی بنگاه‌های

داخلی برای مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرآیند تدریجی و هدفمند؛ تعیین تکلیف شفاف و بلند مدت سیاست‌های دولت در بار هنر خوراک، قیمت انرژی مصرفی صنایع و سایر کالاهای مشمول قیمت گذاری با رعایت اصلاح و ایجاد جذابیت برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با رویکرد صادراتی؛ حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید و صادرات نفت و گاز با هدف اثرگذاری در بازار جهانی؛ تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه صادرات مشتقات نفت و گاز؛ تجهیز منابع بین‌المللی؛ جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تاکید بر سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مبتنی بر توسعه صادرات غیرنفتی با اولویت‌های زیر:

- پروژه‌های ارتقای بهره‌وری انرژی و جایگزینی گاز با سوخت‌های مایع؛ اکتشاف و توسعه میدان جدید نفت و گاز؛ تکمیل زنجیره ارزی نفت و گاز با اهداف صادراتی؛ توسعه معادن، همراه با ایجاد صنایع پایین دستی؛ توسعه زیرساخت‌های ترانزیت و گردشگری؛ تولید کالاهای بادوام با اهداف صادراتی.

- مقابله با بحران آب، آلودگی هوا و چالش‌های زیست محیطی؛ جذب فناوری‌های نوین و منابع مالی بین‌المللی در پروژه‌های زیست محیطی؛ ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای برای رفع چالش‌های مشترک زیست محیطی؛ خروجی‌های نظام مدیریتی برنامه اقتصاد مقاومتی

- الف- گزارش برنامه اقتصاد مقاومتی شامل:

- اهداف و جهت‌گیری‌های کلی؛ مشکلات و چالش‌های موجود و پیش‌رو؛ چشم‌انداز کمی اقتصاد کلان ایران در دوره

۱۳۹۵-۱۳۹۹

- سیاست‌های اقتصاد کلان (شامل الزامات ساختاری، حقوقی، فرآیندی و سایر)
- الزامات سیاست‌گذاری پولی، مالی، ارزی برای ثبات‌سازی کلان؛ الزامات تجهیز منابع مالی برای تولید و سرمایه‌گذاری از طریق نظام بانکی، بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری خارجی؛ اصلاحات بازار نیروی کار؛ اصلاحات بازار انرژی؛ بهبود فضای کسب و کار (اصلاح قوانین، ساختار بازارها و قیمت‌گذاری)
- سیاست تجاری و توسعه صادرات غیرنفتی
- سیاست‌های حمایتی و تامین اجتماعی.

ب- برنامه‌های بخشی (شاملت بین وضع موجود، چشم‌انداز آینده، اهداف و سیاست‌های کلی، اهداف کمی، سیاست‌های اجرایی، معرفی برنامه‌های اجرایی، پیش‌بینی نحوه تامین منابع مالی)

- برنامه نفت و انرژی؛ برنامه صنعت و معدن؛ برنامه حمل و نقل و مسکن؛ برنامه آب و کشاورزی؛ برنامه گردشگری؛ برنامه همکاری‌های تجاری و مناطق آزاد؛ برنامه علم و فناوری
- گزارش نظارت بر اجرای برنامه اقتصاد مقاومتی شامل:

تفکیک فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرایی برنامه برحسب دستگاه‌های اجرایی؛ تعیین زمان بندی فعالیت‌ها؛ طراحی یک نظام گزارش دهی و گزارش‌گیری برای نظارت بر پیشرفت برنامه‌ها و کنترل اجرا، شناسایی موانع اجرا و اتخاذ سیاست‌های اصلاحی.

۱. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۶)، بررسی و تحلیل تضمینات حقوق اقتصادی و اجتماعی بین الملل (حقوق رفاهی) در نظام های حقوقی داخلی، آموزه های قرآنی، شماره ۲۳.
۲. امیری، فاطمه، یحیی آبادی، ابوالفضل، صمدی، سعید (۱۳۹۲)، تحلیل توسعه یافتگی ایران با استفاده از شاخص HDI، مقالات اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران، تهران.
۳. باقری، فریده، حیدری، خلیل، پیمان، سیدحسین (۱۳۸۱)، محاسبه خط فقر در ایران طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰، پژوهشکده‌ی آمار.
۴. بهرام زاده، احمد (۱۳۸۳)، ماهنامه علمی آموزشی تدبیر، سال چهارم، شماره ۱۳۴.
۵. بهروزی فر، مرتضی (۱۳۸۴)، تأثیر تحریم های یک جانبه آمریکا بر اقتصاد و تجارت و بازارهای انرژی جهانی، مجله بازرگانی، شماره ۳۳، زمستان، تهران.
۶. پیری، عیسی (۱۳۹۲)، تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در کارآفرینی و توسعه اقتصادی کلانشهرها در شرایط تحریم دولت، کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم.
۷. زیبایی، حسن (۱۳۸۷)، تجارب برنامه‌های توسعه کشور در خصوص توزیع درآمد و عدالت اجتماعی (ارائه راهکارهای پیشنهادی برای برنامه چهارم توسعه)، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان.
۸. علیزاده افشار، فرهاد، آذریان، محمدمامین (۱۳۹۲)، آسیب شناسی بافت فرسوده و ارائه راهکارهای نوسازی آن در راستای توسعه پایدار، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری.
۹. فتحی، سروش و قابل رحمت، فاطمه (۱۳۹۵)، شهروند مداری پیش درآمدی بر توسعه اجتماعی شهرهای جدید (مطالعه‌ی موردی: شهر جدید پرند)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، مقاله ۸، دوره ۸، شماره ۲، بهار ۱۳۹۵، صفحه ۱۳۷-۱۲۷.
۱۰. مرزبان، حسین، استادزاد، علی حسین (۱۳۹۲)، تأثیر تحریم های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم یافته تصادفی، پژوهش های اقتصادی ایران.
۱۱. میرفردی، اصغر، ابتکاری، محمدحسین (۱۳۹۲)، تبیین مفاهیم، شاخص‌ها و رویکردهای نظری توسعه اقتصادی، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی.
۱۲. نقره کار، صالح (۱۳۹۴)، مقررات گذاری اقتصادی پساتحریم، فصلنامه حقوقی، تحلیلی، آموزشی، پژوهشی استیناف، شماره ۶ و ۷، برگرفته از: [www. http://article.irna.ir/33168](http://article.irna.ir/33168).
۱۳. نویخت، محمدباقر (۱۳۸۳)، نگاهی به مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن - مجموعه سخنرانی ها، مرکز پژوهشی های مجلس شورای اسلامی.
۱۴. واعظ زاده، ساجده و همکاران (۱۳۹۴)، مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، مقاله ۳، دوره ۷، شماره ۲، بهار ۱۳۹۴، صفحه ۴۵-۵۹.

15. Hoffar, Gary Clyde; Shot, Jeffrey; Elliot, Kimberly NN; OG Barbara, 2007, Economic Revision Review: Third Edition, Portson Institute for International Economics, USA.
16. Huntington, Samuel, 2013, Development Goals for Understanding Political Development, Myron Weiner and Samuel Huntington, Translated: Strategic Studies Institute, Tehran: Strategic Studies Institute.
17. Lewis, W.A ,1955 ,the theory of economic growth. Homewood, IL: Irwin.
18. Reading, Hugo f., a , 1979 ,dicionery of the socince, routledge & keganp p aul, London.
19. Webster, Andrew; 2013, an Introduction to the Development Sociology, Translator: Amir Hossein Asghari, Tehran, and Kuhsar.